

تأثیرات منصب داران ایرانی مهاجر به هند بر مظاهر معماری عصر گورکانیان

احمدرضا بهنیافر^۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۹/۱۹

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۲۲

چکیده

مهاجرت تدریجی ایرانیان به هند، نفوذ اولیه آنان در دربار فرمانروایان محلی و کسب قدرت سیاسی که از دهه های میانی قرن هشتم آغاز شد به ماندگاری آن‌ها تا قرن سیزدهم هجری در دولت گورکانیان انجامید. برخی از این مهاجران در دربار گورکانیان به ویژه دوران پادشاهی اکبر، جهانگیر و شاه جهان، عنوان منصب دار که یک مقام نظامی بود کسب کردند و منشا اثر مهم در مظاهر مختلف فرهنگی و تمدنی از جمله معماری شدند. نوشتار حاضر در صدد پاسخ به این سوال است که با توجه به احیا اندیشه و هنر هندی و بازگشت به معماری هندوان در عهد اکبر و جهانگیر، منصب داران مهاجر ایرانی به این سرزمین، در حوزه معماری عصر گورکانی چه تاثیری داشته و این اثر گذاری چه نتایجی به بار آورده است؟ در نگاه نخست به نظر می رسد که اینان توانسته اند ضمن انتقال مظاهر معماری ایرانی - اسلامی به حوزه حکومتی گورکانیان، ابداعات مهمی نیز در این زمینه داشته باشند. ارائه تصویری واقع بینانه از تاثیر حضور فعال منصب داران ایرانی در تحول و تکامل مصادیق و مظاهر معماری و آشنایی اهالی هند با شاخص های معماری ایرانی، هدف اصلی پژوهش است. پیامد های پژوهش نیز آن است که ورود منصب داران ایرانی به دربار سلاطین گورکانی، معماری شبه قاره هند را در این عهد متحول نمود و این تحول در مقایسه با ویژگی‌ها و شاخصه های معماری این سرزمین تحولی چشمگیر محسوب می شد به طوریکه ابداعات منصب داران ایرانی سابقه ای در معماری شبه قاره هند نداشت و این امر بیانگر شایستگی، درک و تخصص بالای ایرانیان منصب دار در حوزه معماری است.

کلید واژه ها: منصب داران ایرانی - اسلامی، شبه قاره هند، معماری، گورکانیان

^۱ استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد دامغان، دانشگاه آزاد اسلامی، دامغان، ایران. behniafar@yahoo.com ۰۲۳۳۵۲۲۵۰۷۲

مقدمه

ایرانیان مسلمان با پی ریزی تمدن ایرانی - اسلامی ضمن انتقال آن به سایر جوامع از جمله شبه قاره هند، در پیشرفت و تکامل مظاهر تمدنی از جمله معماری این سرزمین نقش بسیار موثری داشته‌اند. از جمله راه‌های انتقال مفاهیم فرهنگی و شاخصه‌های تمدنی، یکی از موثرترین و کارآمدترین آن‌ها که توانسته به شکل موثر در پیکره هنر و معماری هند بر جای بماند مهاجرت نخبگان ایرانی است که در طیف‌های مختلف، به ویژه در فاصله زمانی قرن دهم تا نیمه قرن سیزدهم هجری قمری صورت گرفت. بسیاری از این مهاجران به خاطر صلاحیت و شایستگی در دولت گورکانیان، عنوان منصب دار که یک مقام نظامی بود را به دست آوردند و توانستند منشا خدمات بسیاری در ابعاد فرهنگی و تمدنی از جمله معماری شوند. از این جهت ضرورت دارد نقش منصب داران ایرانی که یکی از موضوعات مهم در تاثیرگذاری فرهنگ و تمدن ایرانیان در سایر جوامع، به ویژه شبه قاره هند است مورد عنایت قرار بگیرد.

با توجه به این ضرورت سوال اصلی مقاله آن است که منصب داران ایرانی مهاجر به هند در حوزه معماری دولت گورکانیان چه نقشی ایفا نموده‌اند و چه نتایجی به بار آورده‌اند؟ فرضیه‌ی سوال مذکور آن است که آنان توانستند ضمن انتقال مظاهر معماری ایرانی - اسلامی به حوزه حکومت گورکانیان، ابداعات مهمی در این زمینه ارائه دهند. طبق بررسی‌های به عمل آمده مقاله و یا اثر پژوهشی روش مندی درباره موضوع مطروحه در مقاله، تحصیل نگردید اما برخی از منابع و آثار پژوهشی که با عنوان مقاله مرتبط بوده مورد بررسی قرار می‌گیرند.

یکی از مهم‌ترین آثار این عهد، اکبرنامه اثر مشهور ابوالفضل علامی است. این کتاب بیانگر ارتباط تنگاتنگ ادبی، اجتماعی، نژادی و دینی بین ایران و هند در دوره سلاطین گورکانی است. ارزش اجتماعی و هنری اکبرنامه در آن است که مولف علاوه بر پرداختن به فتوحات و شرح توفیقات ولی نعمت خود اکبرشاه گورکانی به چگونگی خانه‌سازی مردم هندوستان و معماری آن نیز توجه می‌نماید. او شرح جامعی از ساخت و ویژگی‌های معماری حوض حکیم علی گیلانی و بنای آن و نیز علاقه فراوان اکبر به این بنای عجیب ارائه می‌دهد. آیین اکبری اثر دیگر علامی است. مزیت عمده این کتاب و ارتباط آن با پژوهش حاضر این است که فهرستی از منصب داران ایرانی دربار اکبر را بر می‌شمارد که دقت در این اسامی بیانگر آن است که یک چهارم منصب داران دوره اکبرشاه ایرانی

بوده اند. منتخب التواریخ عبدالقادر بدایونی در تاریخ عمومی هندوستان نیز نقش مهاجران منصب دار ایرانی را در چهل سال از دوره پادشاهی اکبر بررسی کرده است. توزک جهانگیری (جهانگیرنامه) از آثار برجسته مربوط به دوره گورکانیان است که به نظم تقویمی از تاریخ جلوس جهانگیر تا هفدهمین سال پادشاهی او را شامل می شود. این کتاب حاوی اطلاعات دسته اول و موثق درباره دوره پادشاهی جهانگیر است به طوری که برای اولین بار در این اثر به ساخت حوض حکیم علی گیلانی در آگرا اشاره شده است. از دیگر آثاری که می توان به آن اشاره کرد اطبای عهد مغلیه تالیف سید کوثر علی چاندپوری است مولف ضمن معرفی پزشکان منصب دار ایرانی در دربار گورکانیان به اقدامات آن ها در حوزه تمدنی از جمله معماری نیز پرداخته است. اباکخ در معماری هند در دوره گورکانی نیز معتقد است گورکانیان وارث مستقیم تیموریان بوده و عناصر پایداری معماری آن ها به خصوص در دوره نخست، تیموری (ایرانی) بود.

مقالاتی نیز در این زمینه به رشته تحریر درآمده که در هر یک از آن ها به تاثیرگذاری معماری ایرانی در شبه قاره هند در عصر گورکانی اشاره شده است مانند مقاله دکتر سید کمال حاج سید جوادی تحت عنوان بررسی تاثیر سبک معماری و مناسبات فرهنگی - هنری ایرانی در ساخت بقعه خراسان لاهور، مقاله محمدرضا پورجعفر با عنوان هم نهادی فرهنگ معماری ایران و شبه قاره هند در عصر گورکانیان و مقاله فروغ یزدانی تحت عنوان نگاهی به تاثیر سبک معماری ایران در معماری هند. اما شاخصه اصلی پژوهش حاضر بررسی تاثیرگذاری منصب داران ایرانی مهاجر به شبه قاره هند در عصر گورکانی است که به صورت ویژه در هیچ یک از آثار مذکور مورد بررسی قرار نگرفته است.

تبیین واژه منصب دار

گورکانیان یا به تعبیر مورخان غربی و مولفان هندی مغول هند یا مغول کبیر هند از اخلاف ظهیر الدین بابر تیموری بودند. نسب بابر در پشت چهارم به جلال الدین میرانشاه پسر امیر تیمور گورکانی می رسید. در این سلسله هفده نفر به پادشاهی رسیدند که شش نفر از آن ها یعنی بابر، همایون، اکبر، جهانگیر، شاه جهان و اورنگ زیب از امپراطوران دیگر اقتدار بیشتری داشتند.

گورکانیان که در سال ۹۳۲ هجری قمری / ۱۵۲۶ میلادی به قدرت رسیدند پس از ۳۴۳ سال در سال ۱۲۷۵ هجری قمری / ۱۸۵۷ میلادی توسط انگلیسی ها از بین رفتند. در این دوره اصطلاح

منصب دار به بسیاری از نخبگان نظامی اطلاق گردید که در امور مختلف سیاسی، علمی و هنری به فعالیت پرداخته و در پیشرفت و توسعه دولت گورکانی نقش به سزایی ایفا نمودند.

در اصطلاح، منصب‌دار کسی است که دارای رتبه و عهده از جانب پادشاه و منسوب به اداره‌ای از ادارات دولتی باشد.^۲ به تعبیر دیگر کسی که رتبه و شغلی مهم در دستگاه دولتی دارد منصب‌دار محسوب می‌شود.^۳

آنه‌ماری شیمل معتقد است منصب‌دار اصطلاحاً به معنی کسی است که شغل رسمی معینی یا منصبی دارد و تمام کسانی که در سلسله مراتب نظامی مقامی داشتند چنین نامیده می‌شدند.^۴

مقامات نظامی در دوره‌ی گورکانیان با عنوان منصب شناخته می‌شد و منصب‌داران، نظامیانی بودند که مقام‌های گوناگون نظامی مانند منصب نه‌هزاری، پنج‌هزاری، چهارهزاری و... داشتند. این نظامیان حقوق و مزایای خویش را به صورت نقد دریافت می‌کردند، همچنین املاک و زمین‌هایی در اختیار می‌گرفتند که از مالیات و عواید حکومتی آن بهره‌برداری کنند. واگذاری این املاک از طرف شاه به نظامیان را "جاگیر" یا "اقطاع" می‌گفتند. این املاک نیز به عنوان "تنخواه جاگیردار" نامیده می‌شد.^۵

منصب‌داران زندگی خود را کاملاً وقف خدمت به فرمانروا و انجام دستورات او کرده بودند. آنان برحسب موقعیت سیاسی ممکن بود به سرعت از پستی به پست دیگر منتقل شوند، از این جهت به ندرت رابطه‌ای واقعی با ساکنان ناحیه خود برقرار می‌نمودند.

ارتقاء درجه‌ی یک منصب‌دار نه بر اساس سنوات خدمت بلکه زمانی بود که در جنگ برتری و امتیاز خود را نسبت به دیگران نشان داده و یا برای فرمانروا خدمتی خصوصی انجام می‌داد یا کاری خوشایند می‌کرد.^۶ به طوری که وقتی حکیم الملک میر محمد مهدی بیماری استسقاء شاهزاده محمد اعظم شاه را درمان کرد منصب دو هزاره‌ی او به چهار هزاره افزایش یافت.^۷

با مرگ یک منصب‌دار، منطقه به سلطنت باز گردانده می‌شد و اگر بدهکاری او زیاد نبود مبالغی برای نگهداری فرزندان وی اختصاص می‌یافت. البته مواقعی اتفاق می‌افتاد که نخست بدهی به‌ها وصول می‌شدند و ارث داده می‌شد و اگر منصب‌دار وارثی نداشت مأموران تمام ثروت و سودها را برای خزانه‌ی سلطنتی می‌بردند.^۸ گاه منصب‌داری که احساس می‌کرد مرگش نزدیک است سریعاً موجب

سربازانش را برای یک یا دو سال پرداخت می‌کرد تا بدین ترتیب آنها در دوره‌ی تصدی جانشینش رنج نبرند.

منصب‌داران بزرگ تشکیلات گسترده‌ی قابل مقایسه‌ای با تشکیلات فرمانروا داشتند، بخشی، رئیس آشپزخانه، رئیس دبیرخانه، منشی‌های محرمانه‌نویس زیردست او بودند. او سرویس سری مخفی مخصوص به خود داشت که در هنگام جنگ مفید واقع می‌شد. منصب‌داران می‌توانستند با دادن هدایای بزرگ و کوچک مشکلات را از سر راه برداشته، به طوری که فرمانروا از خطاهای آنها اطلاع نیابد زیرا اگر منصب‌داری مرتکب خطا می‌شد و به دربار اعلام می‌گردید باید مجازات سنگینی را تحمل می‌نمود.^۹

در این تحقیق منظور از منصب دار، ایرانیان مهاجری بودند که در سلسله مراتب نظامی صاحب مقام و منصب می‌شدند هر چند که برخی از این منصب داران دارای مقامات و مناصب سیاسی و اداری نیز بودند. از مشهورترین منصب داران مهاجر ایرانی به هند می‌توان به حکیم علی گیلانی، علی مردان خان، عبدالرحیم خان خانان، حکیم عین الملک شیرازی، آصف جاه تهرانی، جعفر بیگ قزوینی و امیر فتح الله شیرازی اشاره نمود.

جایگاه ویژه معماری در اندیشه سلاطین گورکانی

گورکانیان که از سال ۹۳۲ تا ۱۲۷۵ ه‍.ق در هند قدرت داشتند و به تدریج بر سراسر شبه قاره تسلط یافتند، سلسله‌ای بودند که نیاز شدیدی به خودنمایی و اظهار وجود داشتند و کاملاً به توانایی معماری برای دستیابی به این هدف واقف بودند. پادشاهان گورکانی و حکام هندی، ایرانی و ترک بر اساس نحوه‌ی تفکر سیاسی به وسیله‌ی ساختمان‌هایی که بنا می‌کردند به بهترین شکل ممکن خود را معرفی می‌نمودند. بنابراین پادشاهان برای کسب اعتبار و شهرت باید بناهایی بزرگ به عنوان یادگار خود می‌ساختند.^{۱۰} قندهاری تاریخ‌نگار عهد اکبر در این مورد می‌نویسد: «نام نیک برای پادشاهان که با دارایی و امکانات فراهم می‌شود عبارت است از ساختمان‌های عالی و باشکوه. باید گفت که معیار سنجش افراد با ارزش بناهای ساخته شده، توسط آنان قابل ارزیابی و تشخیص است و جاه و مقام و بلندنظری آنان از محل سکونت گاه آن‌ها مشخص می‌گردد».^{۱۱}

کنبوه مورخ شاهجهان اشتیاق پادشاه را برای ساختمان‌سازی به عنوان اقدامی ضروری برای حکومتی خوب این چنین مشروعیت می‌بخشد: «آشکار است که افزایش چنین چیزها (ساختمان‌ها و نمایش‌های خارجی) در نظر مردم اعتبار و منزلت برای حکام پدید می‌آورد و احترام حکام و شأن و مقام آنان را در دل مردم افزایش می‌دهد. به این هدف نهایی حکومت و نهی از منکر و اجرای قوانین و فرمان‌های الهی که هدف نهایی حکومت و پادشاهی است به صورت مؤثرتری انسجام می‌گردد».^{۱۲} در نتیجه‌ی این روند منطقی پادشاه به عنوان عامل دگرگونی‌های سبک‌های معماری معرفی می‌شود.

از این جهت ضرورت داشت که برای رسیدن به این هدف از متخصصان حوزه معماری استفاده نمایند پس تمام توان خود را برای جذب ایرانیان که در ابعاد مختلف فرهنگی و تمدنی از جمله معماری تخصص داشتند، به کار بردند. آنان به ایرانیانی که با شایستگی مقامات نظامی را بدست آورده بودند عنوان منصب دار اعطا کردند و منصب داران نیز زندگی خود را وقف خدمت به فرمانروا و انجام دستورات او کرده بودند.

پیوند سلاطین گورکانی با معماری ایرانی - اسلامی و الگوگیری از آن

به طور کلی معماری در هر منطقه می‌تواند تحت تأثیر دو گروه از عوامل شکل گیرد:

۱. مجموعه‌ی عوامل درونی و بومی؛ مانند مصالح محلی، دانش و تجربیات فنی، فرهنگ و الگوهای رفتاری.

۲. عوامل تأثیرگذار بیرونی؛ چه از طریق مصالح غیر بومی یا نفوذ تجربیات، مهارت‌ها و الگوها.

طبعاً هر قدر روابط خارجی منطقه‌ای بیشتر باشد، تأثیر عوامل بیرونی نیز به همان نسبت افزایش می‌یابد. ایران و هند از دیرباز روابط گسترده‌ای با هم داشتند و از این طریق در بسیاری از مظاهر فرهنگی و تمدنی یکدیگر از جمله معماری تأثیرگذار بودند.

از قرن هشتم هجری قمری به واسطه‌ی وجود عوامل دافعه در ایران و عوامل جاذبه در هند بسیاری از ایرانیان به شبه قاره‌ی هند مهاجرت کردند و در دربار گورکانیان که حامی هنر، فرهنگ و علم و دانش بودند، به خدمت مشغول شدند.

گورکانیان ایده‌های اصلی طراحی معماری را در بسیاری از بناها از نمونه‌ها و نسخه‌های عهد تیموری یا صفوی اقتباس کرده بودند. به ویژه در عهد اکبر که با اقتباس از خصوصیات شیوه‌های معماری تیموری، ماوراءالنهر، هند و ایران به سوی نوعی معماری فوق منطقه‌ای توسعه یافت.

در واقع می‌توان گفت تمایل پادشاهان گورکانی به ابراز و اظهار پیوند خود با نیاکانشان در ایران به ویژه عهد تیموریان و نیز حضور برخی معماران ایرانی مانند میرک میرزا غیاث که معمار هرات و بخارا بود موجب تبعیت گورکانیان از سبک ایرانی شده است. بابر بنیان‌گذار سلسله‌ی گورکانی در هند اولین کسی است که عامل حضور وسیع معماری و طراحی ایرانی در هند شد و سبک ایرانی باغ‌های چهاربخشی (چهار باغ) منسوب به او می‌باشد.

بناهایی چون آرامگاه نظام‌الدین اولیاء که بدون تردید الگوی معماری تاج محل است متأثر از معماری ایرانی است. در مقبره‌ی همایون که تلفیق طرح ایرانی و هندی است،^{۱۳} نیز گوشه‌های فضای مرکزی مشتمل بر مقبره را با دو اشکوب از حجره‌های هشت گوشه - که مقابر یادبود اعضای خانواده‌ی همایون را در بر گرفته - پر ساخته‌اند. از این نوع نقشه که در فارسی غالباً هشت بهشت خوانده می‌شود در ایران عهد تیموری استفاده می‌گردید.^{۱۴}

از این جهت است که هاوول آرامگاه همایون را چنین توصیف می‌نماید: «شاید بیش از هر چیز سبک عمده‌ی معماری هندی دارای خصوصیات ایرانی است».^{۱۵}

تاج محل نیز که به لحاظ زمینه‌های محیطی، جغرافیایی و فرهنگی ناشی از فرهنگ و هنر ایرانی است، بر طبق مدارک موجود نه تنها معمار اصلی آن بلکه سه شخصیت طراز اول این بنا، یعنی استاد علی شیرازی طراح، امانت‌خان شیرازی کتیبه‌نویس و محمد حنیف قندهاری ناظر ساختمان ایرانی بودند.^{۱۶}

طراحی معماری تاج محل از فرهنگ و سنت طراحی معماری و باغ‌های ایرانی ناشی شده است و دست‌اندرکاران بنای تاج محل با استفاده از فرهنگ معماری ایرانی این مجموعه را طراحی کردند.^{۱۷} از این جهت برخی طرح آن را حیرت‌انگیز و هماهنگی و همسازی بنا را معجزه‌آسا می‌دانند.^{۱۸}

منصب داران ایرانی و اقدامات عمده آن‌ها در حوزه معماری عهدگورکانی

۱- عبدالرحیم خان خانان

میرزا عبدالرحیم خان خانان لایق‌ترین فرزند بیرم خان از منصب‌داران پنج‌هزاری و شخصیت‌های معروف دربار اکبر و جهانگیر بود. او سردار لشکر، نظام‌بخش سلطنت، مؤمن، اهل علم و دانش، بخشنده و دادگر بود و به واسطه‌ی کاردانی و لیاقت از جانب اکبر لقب خان خانان را دریافت نمود.^{۱۹} وی از حامیان معماری محسوب می‌شد و معروف است که هندوستان را به ایران تبدیل کرد و بناهای او شامل آثار مهمی از معماری شهری به ویژه در برهانپور بود.

یکی از مهم‌ترین اقدامات او در این زمینه حفر قنات و تنظیم نظام آبیاری شهری با کانال‌هایی در زیر زمین بود که ملهم از آثار ایرانی است. این قنات‌ها آب را از دامنه‌های نواحی ساتپورا به شهر و باغ خان خانان می‌رساندند. این باغ‌ها که طرح‌های هنرمندانه و فضایی درخت کاری شده در وسط، آبیگر نیلوفری مصنوعی بزرگ دارند به فضاهایی با جذابیت زیاد تبدیل شدند. خان خانان این باغ‌ها را به روی عموم باز می‌کرد. این کار نوعی اقدام بی‌سابقه در مورد توجه به روح حیات شهری در آن دوران محسوب می‌شد.^{۲۰}

اقدامات دیگر او در زمینه‌ی معماری شهری ساختن یک سرا در سال ۱۰۲۷ ه‍.ق و یک حمام عمومی در سال ۱۰۱۶ ه‍.ق در نزدیکی قلعه در شهر برهانپور بود. این حمام به سبب نقشه‌ی آن که با دقت طراحی شده و طاق‌های ظریف آن با ارزش و قابل توجه است.^{۲۱} وضع ویران آن در حال حاضر به ما اجازه نمی‌دهد که مطمئن شویم طرح موجود آن به چه صورتی انتخاب شده است. شکل کامل آن بر اساس نقشه‌ی شبکه‌ای نه‌قسمتی با الگویی متشکل از دو محور متقاطع (+ و ×) تهیه شده است. ایده و مفهوم معماری آن به مقبره‌ی انارکالی در لاهور نزدیک است. این طرح با ترکیب فضاهایی به شکل چلیپا به جای اتاق‌های ساده‌تر پیشین غنی شده است و تورفتگی‌های درونی یا بازوهای واحدهای چلیپایی شکل به وسیله‌ی تعدادی راهرو به هم مرتبط شده‌اند. شکل‌هایی مانند این فضاها که قبلاً در حمام‌های دوره‌ی اکبر طراحی و ساخته شده بود، در زمان جهانگیر با طرحی کاملاً هندسی سازمان یافته‌اند. کیفیت طراحی معماری حمام به سبب اندوهای آهکی بسیار ماهرانه‌ی طاق‌ها و نیز شبکه‌هایی با طراحی متنوع باید به عنوان منبعی از الگوهای طاق‌های

جهانگیری مورد توجه قرار گیرد. ناظر یا مهندس معمار این ساختمان ارزشمند که با نظارت خان خانان انجام می‌شد محمدعلی معروف به گرجی خراسانی بوده است.^{۲۲}

۲- آصف جاه تهرانی (آصف خان)

میرزا ابوالحسن یمین الدوله مخاطب به آصف خان و مدعو به آصف جاه فرزند خواجه غیاث الدین محمد تهرانی است. وی در کودکی پس از درگذشت جد خود خواجه محمد شریف هروی که از وزیران باکفایت شاه طهماسب صفوی بود همراه با پدر و سایر افراد خانواده به هندوستان رفت و در سلطنت جهانگیر با منصب شش هزاری وکیل السلطنه بود و در عهد شاه جهان با منصب نه هزاری مقام سپه سالار و خان خانانی داشت.

از منصب‌داران دوره‌ی اکبر و جهانگیر است.^{۲۳} او حمامی در آگرا ساخت که بسیار زیبا بود. در این حمام بین محل پوشیدن و درآوردن لباس، محل خنک برای آماده شدن پس از استحمام و محل اصلی برای شست و شوی تعبیه شده بود. آب داغ نیز توسط تنبوشه‌هایی هدایت می‌شد و برای آن آبریزگاه عمومی هم به صورت کامل پیش‌بینی شده بود.^{۲۴}



تصویر ۱: حمام آگرا

۳- حکیم علی گیلانی

حکیم علی گیلانی از اهلی گیلان و خواهر زاده حکیم الملک شمس الدین بود. او در حالی به هندوستان رفت که شدیداً دچار تنگنای مادی بود اما پس از از اینکه در دربار مشغول به کار شد به تدریج از فقر و تنگدستی رهایی یافت و به ثروت و دارایی رسید.

حکیم علی گیلانی منصبدار عهد اکبر و جهانگیر بود که تا منصب چهار هزاری بالا رفت.^{۲۵} شهرت عمده‌ی او در حوزه‌ی معماری ساخت حوض بسیار عجیبی در سال ۱۰۰۲ هج مصادف با سی و نهمین سال سلطنت اکبر بود. این حوض با عرض و طول 20×20 گز و عمق ۳ گز در لاهور بنا گردید.^{۲۶} جهانگیر عرض و طول آن را 6×6 گز ذکر کرده است.^{۲۷}

در وسط آن حجره‌ی سنگینی تعبیه شده بود که بر فراز آن منار بلندی ساخته بودند. در چهار سوی حجره چهار پُل قرار داشت. دروازه‌های حجره باز بودند، با این وجود آب به داخل آن نفوذ نمی‌کرد.

اکبر که به دیدن این نوع چیزهای عجیب علاقه‌ی زیادی داشت برای دیدن آن به لاهور رفت. به او گفته بودند که راه ورود به حوض یا حجره‌ی وسط آن را نمی‌توان به آسانی یافت، راه تنفس نیز بسته می‌شود و انسان وحشت‌زده شده و از نیمه راه بر می‌گردد. اکبر لباس خود را از تن درآورده و در حوض غوطه‌ور شد و به داخل حجره راه یافت. این حجره را با شکوه بسیار آراسته بودند و کاملاً روشن بود. در آن جای نشستن ۱۰ الی ۱۲ نفر وجود داشت. بستر برای خوابیدن، لباس برای پوشیدن و مواد خوراکی و غذا نیز موجود بود. همچنین در طاقچه‌ها کتاب‌هایی نیز گذاشته بودند. از دیگر ویژگی‌های آن جلوگیری هوا از ورود حتی یک قطره آب بود. از ورود پادشاه به داخل آن مدتی سپری شد و افرادی که در بیرون انتظار می‌کشیدند به شدت ترسیدند. اما به محض آن که اکبر سر خود را از آب بیرون آورد همه آرام شدند.^{۲۸} این حوض در عهد اکبر در لاهور ساخته شد ولی از توزک جهانگیری (جهانگیرنامه) می‌توان دریافت که نظیر چنین حوضی در آگرا نیز به وسیله‌ی حکیم علی ساخته شده بود.^{۲۹}

هفت سال قبل از حکیم علی، حکیم دیگری در فتح پور از بنای چنین حوضی خبر داده بود، اما موفق به ساخت آن نگردید ولی حکیم علی این ایده را جامه‌ی عمل پوشانید. هر دو حوضی که حکیم علی در لاهور و آگرا ساخته بود یکسان بودند ولی حوض آگرا از حوض لاهور کوچک‌تر بود.

اهمیت این کار دشوار و ظریف حکیم علی در آن است که تاکنون به دلیل اثر فشار هوا ساخت چنین حوضی صورت نپذیرفته است.

۴- حکیم عین‌الملک شیرازی

حکیم عین‌الملک از اهالی شیراز بود و اجداد او از طرف مادر به محقق دوانی می‌رسیدند. وی از آغاز در کنار اکبرشاه گورکانی زندگی می‌کرد و در رزم و بزم او شرکت داشت. حکیم از منصب‌داران عهد اکبر بود و زمانی که سرلشکر سنبهل بود، در محله‌ی قدیمی بریلی میرزایی مسجدی ساخته بود که نام آن میرزایی یا مسجد پادشاهی بود. در کتیبه‌ی مسجد نیز سال ۹۸۷ ه‍.ق ثبت شده است.^{۳۰}



تصویر ۲: مسجد پادشاهی

۵- علی مردان خان

او در عهد صفویه حکومت قندهار را بر عهده داشت و پس از ورود به هند از منصب‌داران دوره‌ی شاه‌جهان گردید. علی مردان‌خان از قابل‌ترین مهندسان و بهترین افسران ارتش بود که قلعه‌ی قندهار را در مدت چهل روز مرمت نمود.^{۳۱}

علی‌مردان خان در پیشاور عمارت مخصوصی ساخت که کاملاً سبک ایرانی داشت.^{۳۲} شهرت بیشتر وی در حفر کانال‌های آبیاری است.^{۳۳} او کانالی قدیمی را- که توسط فیروز شاه تعلق بنا شده بود و از خیف‌آباد به سفیدون جریان داشت- احیاء و تعمیر کرد. این کانال منبع اصلی آب برای کاخ و پایتخت جدید اوتا شاه جهان‌آباد امتداد می‌یافت.^{۳۴} علی مردان خان باغ‌ها و پارک‌های متعدد همراه با چشمه

های آب و آبشارهای فراوان ایجاد نمود که همه آنها را وقف حرم امام رضا(ع) کرد.^{۳۵} مهمترین باغ او در حیدرآباد ساخته شد که در آن کاخ علی مردان خان با نقاشی های زیبا تزئین شده است.^{۳۶}

چهار باغ از عناصر معماری دوره گورکانی است که به طور وسیعی از آن بهره برداری می شد و در هند به باغ های ایرانی شهرت داشت. چهار باغ ها، باغ های محصور بود که به وسیله خیابان به چهار قسمت تقسیم می شدند و در وسط آنها یک حوض قرار داشت. درختان و فواره ها، کانال ها و کوشک ها از خصوصیات اصلی چهار باغ های ایرانی بود که آن را به عنوان یکی از تاثیرات معماری ایرانی بر می شمردند. یکی از این چهار باغ ها در لاهور بود که آب آن از طریق مجرای تامین می شد که ساختمان آن به وسیله علی مردان خان بنا شده بود. در واقع می توان گفت دانش او درباره معماری و مهندسی موجب ورودش به هیات مشورتی شاه جهان گردید.



تصویر ۳: مقبره علی مردان خان

ابداعات عمده ایرانیان مهاجر به هند در حوزه معماری عصر گورکانیان

معماران منصب دار ایرانی به هند ابداعاتی در زمینه‌ی معماری داشتند که مهم ترین آنها عبارتند از:

۱. ساخت کاروان سراها و حیاط های کاخ ها؛ مانند آنچه که در اجمیر و الله آباد بنا شده است.
۲. ساخت مساجد، حمام و بناهای عام المنفعه
۳. تنظیم نظام آبیاری شهری با حفر قنات و کانال
۴. بسیاری از طرح های تزئینی؛ مانند آنچه که در نطنز ایران وجود داشت.

۵. کاشی‌های لعابی که در سکندر و لاهور مورد استفاده قرار گرفته است.
۶. کاشی کاری های معرق به ویژه در مسجد اجمیر و مسجد ناگور که از آثار معماری اوایل دوره اکبرشاه محسوب می شود.
۷. ایجاد برج در گوشه های قصر سرخ که به سبک کاروانسرا های ایرانی صورت گرفته بود. لازم به ذکر است که این قصر از آثار دوره اکبر محسوب شده و در آن تاثیر افکار معماری ایران بیشتر از همه جا به چشم می خورد.
۸. ستون های دراز ترک ترک با سرستون های آویزدار و پنجره های مشبک؛ مانند آنچه را که در مساجد اصفهان بنا شده بود.
- قوس های تیزه دار و طاق های قوسی عرضی و گنبد و شکل هشت ضلعی بنای زیر گنبد. بنابراین ترکیب قوس و گنبد که در بسیاری از بناهای شبه قاره به ویژه در شمال آن مورد استفاده قرار می گرفت از ویژگی های معماری ایرانی اسلامی بود.
۹. شکل های هلالی و ساختمان های طاق دار، دیوار های ساده و صاف و ستون های باریک صیقلی با تار های وسیع و طاق نما های خیره کننده نشانه هایی از سبک معماری ایرانی بود که توسط معماران منصب دار ایرانی در بنا های ساخته شده توسط آن ها دیده می شد.

نتیجه

مطالعه و تحقیق در حوزه تاثیرگذاری منصب داران ایرانی در معماری عهد گورکانیان نشان می دهد که:

- ۱- هر چند که در دوره مورد مطالعه در این مقاله، عنوان منصب دار به مقامات نظامی اطلاق می شد ولی آن ها بر حسب موقعیت سیاسی و صلاحیت و شایستگی توانستند در ابعاد مختلف فرهنگ و تمدن، از جمله تحول و تکامل عناصر معماری عصر گورکانی موثر باشند.
- ۲- با عنایت به اینکه دوران اکبر و جهانگیر، دوره بازگشت به معماری هند و اندیشه هندو بود اما آن ها برای جلب نظر مسلمانان از ایرانیان کمک گرفتند و ضمن فراهم کردن زمینه های لازم برای

جذب نخبگان ایرانی، از ایشان در حوزه های مختلف فرهنگ و تمدن از جمله معماری استفاده نمودند.

۳- گورکانیان با اظهار تمایل به حفظ پیوند خود با نیاکانشان در ایران، به ویژه با تیموریان و نیز حضور معماران و منصب داران ایرانی، از سبک معماری ایرانی پیروی نمودند.

۴- پادشاهان گورکانی بر اساس نحوه تفکر سیاسی خود معتقد بودند از طریق معماری و ساخت بنا های متعدد به بهترین شکل ممکن می توانند خود را عامل دگرگونی های سبک معماری معرفی نمایند. از این جهت با توجه به پیوند آنها با ایرانیان، در صدد جذب نخبگان ایرانی و الگوگیری از آنان در زمینه معماری ایرانی - اسلامی برآمدند.

۵- اقدامات و ابداعات منصب داران ایرانی در معماری عصر گورکانیان بیانگر استعداد، شایستگی، تخصص و درک بالای آنان در این حوزه بود.

۶- بناهایی همچون حمام های عبدالرحیم خان خانان و آصف جاه تهرانی و نیز حوض حکیم علی گیلانی اوج معماری ایرانی - اسلامی در عهد گورکانی است و ساخت کاروانسراها، طرح های تزئینی، کاشی های لعابی، ستون های دراز، سرستون های آویزدار و طاق های قوسی و گنبدی را از شاخصه های تاثیرگذاری معماری ایرانی - اسلامی در این عهد دانست که توسط منصب داران اعمال گردید.

پی نوشت ها

- ^۱ علامی، ابوالفضل بن مبارک (۱۸۹۳) آئین اکبری، لکهنو: مطبع منشی نولکشور، ج ۱، ص ۱۳۸.
- ^۲ نفیسی، علی اکبر (۱۳۵۷) فرهنگ نفیسی، تهران: خیام، ج ۵، ص ۳۵۴۶.
- ^۳ معین، محمد (۱۳۶۵) فرهنگ فارسی «۶ جلدی»، تهران: امیرکبیر، ص ۴۲۹۴.
- ^۴ شیمل، آنه ماری (۱۳۸۶) در قلمروی خانان مغول، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، تهران: امیرکبیر، ص ۹۲.
- ^۵ Encyclopedia of Islam, New Edition, Vol5, "Mughuls" By Athar Ali. vol5, p320.
- ^۶ گورکانی، نور الدین محمد جهانگیر (۱۳۵۹) جهانگیرنامه «توزک جهانگیری»، به کوشش محمد هاشم، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، صص ۹-۱۱.
- ^۷ چاندپوری، سیدکوثرعلی (۱۳۹۰) اطبای عهد مغلیه، ترجمه سیده جلیله شهیدی، تهران: موسسه مطالعات تاریخ پزشکی و طب اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تهران، صص ۲۴۹-۲۵۰.
- ^۸ بدایونی، عبدالقادر (۱۳۸۰) منتخب التواریخ، تصحیح مولوی احمد علی صاحب، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ج ۲، ص ۲۲۱.
- ^۹ شیمل، پیشین، صص ۹۴-۹۵.
- ^{۱۰} کخ، ابا (۱۳۷۳) معماری هند، ترجمه حسین سلطان زاده، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ص ۱۳.
- ^{۱۱} قندهاری، محمدعارف (۱۳۸۲) تاریخ اکبری، تهیه و تنظیم معین الدین ندوی، عاشرعلی دهلوی و امتیازعلی عارشی، رامپور: بی نا، ص ۱۴۲.
- ^{۱۲} کنبوه، محمدصالح (۱۹۶۷) شاه جهان نامه «عمل صالح»، تصحیح وحید قریشی، لاهور: مجلس ترقی ادب، ج ۳، ص ۱۸.
- ^{۱۳} کراون، روی سی (۱۳۸۸) تاریخ مختصر هنر هند، ترجمه فروزان سجودی و کاوه سجودی، تهران: مرکز نشر آثار هنری، ص ۲۲۳.
- ^{۱۴} بلر، شیلا و ام. بلوم، جانانان (۱۳۶۶) هنر و معماری اسلامی، ترجمه اردشیر اشراقی، تهران: سروش، ص ۳۰۶.
- ^{۱۵} Havel, E.B., **Indian Architecture**.
- ^{۱۶} جمعی از خاورشناسان (۱۳۴۸) میراث ایران، ترجمه احمد بی رشک و دیگران، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، ص ۱۵۱.
- ^{۱۷} سلطان زاده، حسین (۱۳۷۸) تداوم طراحی باغ ایرانی در تاج محل، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی، ص ۱۲۱.
- ^{۱۸} بورکهارت، تیتوس (۱۳۶۶) هنر اسلامی؛ زبان بیان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران: انتشارات سروش، ص ۱۸۴.
- ^{۱۹} علامی، ابوالفضل بن مبارک (۱۳۷۲) اکبرنامه، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، صص ۲۷۳-۲۷۴.

- ۲۰ نهاوندی، عبدالباقی (۱۳۸۱) **مآثر رحیمی**، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ج ۲، ص ۵۹۸.
- ۲۱ کخ، پیشین، ص ۹۲.
- ۲۲ نهاوندی، پیشین، ج ۲، ص ۶۰۱.
- ۲۳ بدایونی، عبدالقادر، **منتخب التواریخ**، ج ۳، صص ۲۱۹-۲۲۰؛ علامی، ابوالفضل بن مبارک، اکبرنامه، ج ۳، ص ۸۳۴.
- ۲۴ کخ، پیشین، ص ۶۸؛ شیمیل، پیشین، ص ۳۵۱.
- ۲۵ علامی، ابوالفضل بن مبارک، اکبرنامه، ج ۳، ص ۳۵۷.
- ۲۶ چاند پوری، پیشین، ص ۱۷۳.
- ۲۷ گورکانی، پیشین، ص ۸۷.
- ۲۸ علامی، ابوالفضل بن مبارک، اکبرنامه، ج ۳، ص ۶۸۸.
- ۲۹ گورکانی، پیشین، ص ۸۷.
- ۳۰ علامی، پیشین، ج ۳، ص ۱۸۴.
31. Hussain ,Dildar, **An Article Under The Captlon Ali Mardankhan an Eminent Moghul Engincer**, Published The March of India, No.12, P.25
- ۳۲ کنبوه، پیشین، ج ۲، ص ۴۷۱.
33. Burgess, James, **The Muhammadan Architecture of Ahmad Abad**, Londen: 1905 , Vols. II, P. 176
34. Burton, John, **The Tower in Islamic Architecture in India**, p. 1321.
- ۳۵ حسن شاه (۲۰۰۲) **تاریخ حسن**، ترجمه احمد شمس الدین، جامو و کشمیر: آکادمی آف آرت کالج، ج ۱، صص ۵۹۰-۵۹۵.
- ۳۶ ددمری، محمد اعظم (بی تا) **واقعات کشمیر**، ترجمه احمد شمس الدین، سرینگر: مرکز اسلامی کشمیر، ص ۲۳۰.